

The function of the integration of religion from the point of view of Allameh Tabatabai

Ghorban Elmi¹| Masoomeh fathi²

1. (Corresponding Author), Professor of the Department of Religions and Mysticism, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author); Email: gelmi@ut.ac.ir.

2. Assistant Professor, Assistant Professor, of the Department of Educational Sciences, University of Farhangian, Tehran; Email: masoomeh.fathi2016@gmail.com.

ARTICLE INFO

ABSTRACT

ARTICLE INFO

ABSTRACT

Article History:

Received October 27, 2023

Revised January 13, 2024

Accepted March 13, 2024

Publication May 14, 2024

Keywords:

unity and solidarity,

function of religion,

society,

social values,

Allameh Tabatabayi.

Unity and solidarity is one of the things that the continuity and stability of the system and nations depend on, and for this reason, all nations have attached special importance to unity and solidarity, and in order to preserve this dangerous issue, some matters are sacred and important in their culture. counted and made them the axis of their correlation. The social role of religion is also basically in integrating it: religion, as it is clear from its meaning, increases the connections of members of societies and social requirements that help their unity and integration. Because the values that are the infrastructure of social obligation systems are common among religious groups, religion ensures broad agreement and solidarity at the level of society, in addition, religion tends to preserve social values. The fact that religious values are sacred means that they do not change in the changes of worldly concepts. Allameh Tabatabayi also emphasized on the role of religion in creating social unity and cohesion based on the teachings of the Quran, and he considers his desirable and desirable society to be coherent and united and free from any division and disunity..

کارکرد انسجام بخشی دین از دیدگاه علامه طباطبایی

قربان علمی^۱ | معصومه فتحی^۲

۱. قربان علمی، استاد ادیان و عرفان، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران: gelmi@ut.ac.ir
۲. معصومه فتحی، استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران: masoomeh.fathi2016@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخ های مقاله: تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۳ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵ کلیدواژه: وحدت و همبستگی، کارکرد دین، جامعه، ارزش های اجتماعی، علامه طباطبایی.	وحدت و همبستگی یکی از مواردی است که تداوم و پایداری نظام و ملت ها به آن بستگی دارد و به همین دلیل تمام ملت ها برای وحدت و همبستگی اهمیت خاصی قائل شده اند و برای حفظ این امر خطیر برخی امور را در فرهنگ خود مقدس و مهم شمرده و آنها را محور همبستگی خود قرار داده اند. نقش اجتماعی دین نیز اساساً در مجتمع کردن آن است: دین، چنان که از معنای آن بر می آید، پیوستگی های اعضای جوامع و الزامات اجتماعی را که به وحدت و یکپارچگی آنان کمک می کند از دیاد می بخشد. چون ارزش هایی که زیرساخت سیستم های الزام اجتماعی هستند در بین گروه های دینی مشترکند، دین توافق و همبستگی گسترده بی را در سطح جامعه تضمین می کند، به علاوه، دین متمایل به حفظ ارزش های اجتماعی است. این حقیقت که ارزش های دینی مقدس هستند دلالت بر آن دارد که آنها در تغییرات مفاهیم دنیوی تغییر نمی کنند. علامه طباطبایی نیز بر اساس آموزه های قرآن بر نقش دین در ایجاد وحدت و انسجام اجتماعی تأکید داشته و جامعه مطلوب و پسندیده خود را منسجم و متحد و عاری از هرگونه تفرقه و تشتت می داند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

وحدت و همبستگی یکی از مواردی است که تداوم و پایداری نظام و ملت ها به آن بستگی دارد و به همین دلیل تمام ملت ها برای وحدت و همبستگی اهمیت خاصی قائل شده اند و برای حفظ این امر خطیر برخی امور را در فرهنگ خود مقدس و مهم شمرده و آنها را محور همبستگی خود قرار داده اند.

در انسان شناسی و جامعه شناسی دینی، یکی از مهم ترین کارکردهای دین، کارکرد وحدت بخشی و انسجام دهنده است؛ زیرا دین با اخلاق (حریم و تنبیه های ناشی از تخطی نسبت به هنجارهای اخلاقی) سر و کار دارد و جماعت دینداران را به یکدیگر پیوند می دهد و به طور مستقیم یا غیرمستقیم نظم اجتماعی را سبب می شود (مانرو، ۵۷۱/۱). به علاوه، از طریق اسطوره و آیین به ارزش های اجتماعی جحیت قدسی داده می شود. مراسم دینی در گرد هم آوردن مردم و پیوند عاطفی و ذهنی میان آنها نقشی بزرگ دارند. تکرار نمادهای مهم و اساسی در بسیاری از مراسم، انواع ارزش ها و هنجارهای اجتماعی را باز می نمایند و حس پابندی به آنها را تقویت می کند. این کارکرد دین را می توان به عنوان تحکیم کننده و توجیه کننده وضع موجود نیز در نظر گرفت (ناندا، ۳۶۲-۶۳). رادکلیف براون (۱۹۵۲) به پیروی از امیل دورکیم چنین استدلال می کند که کارکرد اصلی دین استقرار، تدوین، بازتائید و تحکیم ارزش های بنیادی اجتماعی است. دین به سامان اجتماعی و اخلاقی جاافتاده، یعنی صورت های موجود حکومت، سلسله مراتب اجتماعی، قوانین، رسوم و اخلاقیات، اعتبار می بخشد و در یکپارچه سازی جامعه، نگهداشت ثبات اجتماعی، تقویت نظارت اجتماعی و اجتماعی کردن افراد سهیم می شود و وسایلی را برای سازگاری با رویدادها یا کشمکش هایی فراهم می سازد که ساختمان اجتماعی را تهدید به فروپاشی می کنند و در جهت ابقای صورت های سازمان اجتماعی عمل می کند (همان، ۷۰۱، ۶۸۷، ۷۰۲). مالدینوفسکی با بررسی نقش اسطوره یا «افسانه های مقدس» در میان مردم تروبریانند یادآور می شود که این اسطوره ها را می توان برای توجیه خاستگاه ها و اعتبار بخشیدن به نهادهای موجود به کار برد. همین اسطوره ها هستند که خاستگاه های قبیله های گوناگون، رتبه نسبی، خرده کلان ها و حقوق مردم نسبت به زمین را توصیف می کنند. بدین سان، از طریق ارجاع به گذشته

مقدس می‌توان داعیه‌های کنونی را توجیه کرد. تصور باورهای مذهبی به شیوه‌های گوناگون دیگری نیز می‌توانند جریان اساسی یا اجتماعی جامعه را توجیه کنند. انسان‌شناسان یادآور شده‌اند که مراسم «پاگشایی» چگونه در جهت ابراز و تثبیت دوره جدیدی از زندگی و آغاز پذیرش نقش و منزلت نوین اجتماعی عمل می‌کند. بر مبنای کار آرنولد وان گنپ (Arnold Van Gennep)، آنها به این نتیجه رسیده‌اند که این مراسم اغلب از ساختار مشترک زیر برخوردار است: ۱- جدا کردن شخص یا گروه از زندگی عادی ۲- گذراندن یک دوره انزوا و ۳- گام گذاشتن شخص یا اشخاص به جهان با یک منزلت جدید. بدین سان، این مراسم، جهان و منزلت قبلی را از دوره جدید زندگی جدا می‌سازد. از طریق این مراسم، جوانان به بزرگسالانی از نظر اجتماعی به رسمیت شناخته تبدیل می‌شوند؛ رئیس جدید مورد تأیید اجتماع قرار می‌گیرد و شخص یا اشخاص به عضویت یک جامعه سری پذیرفته می‌شوند (کولن و واتسون، ۱۱۴-۱۶). این مقاله، با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی مفهوم وحدت و انسجام اجتماعی در اندیشه محمد حسین طباطبائی پرداخت و می‌خواهد به این پرسش پاسخ دهد که دین، به ویژه دین اسلام، چه نقش و کارکردی در این امر ایفا می‌کند.

۱. وحدت و انسجام اجتماعی

دین امری واحد یا تک‌ساحتی نیست و ابعاد گوناگونی دارد؛ از این‌رو کارکردها و نقش‌های متفاوتی در زندگی فرد و حیات اجتماعی ایفا می‌کند. (اسمارت، ۱۹۹۶، ۱۱۰). سنت دینی باعث ایجاد نقش و کارکردهایی در زندگی فردی و اجتماعی می‌شود که شامل عبادت، زیارت، مراسم نذر و قربانی، پتانسیل دسته‌جمعی، جشن‌ها و اعیاد و مناسک جاری در آن است. این تشریفات دینی اعضا را گرد هم می‌آورد و یادآور همان میراثی است که پیشینیان آن را به نسل‌های بعد از خود منتقل کرده‌اند. سنت دینی هویت‌بخش است و با تاثیر بر هویت یک قوم می‌تواند فرهنگ، زبان و رفتار اجتماعی آن‌ها را متحول سازد. و با کمک مناسک و ایجاد تحرکات اجتماعی، روابط بین اعضا را که در راستای هدف مشترکی در کنار یکدیگر و در راه سعادت گام برمی‌دارند، احیا و در نتیجه مناسبات اجتماعی را نیز تنظیم می‌کند.

وحدت امت همواره یکی از آرمان‌های دینی پیامبران توحیدی قلمداد شده و بر این بنیان، یکی از محورهای مهم دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز پرریزی شاکله‌های پیدایش آن بوده است. ایجاد اتحاد و اخوت میان ملت‌ها و آحاد مسلمانان در سراسر جهان از اهداف آرمان‌های اصیل اسلام است که ریشه در قرآن و سنت و آراء اندیشمندان مذاهب اسلامی دارد. جهت عملی شدن این هدف و شکل‌گیری امت واحده اسلامی در راستای اعتلاء و عزت و عظمت و اقتدار جهان اسلام، وحدت بر محور اصول دین و مشترکات اعتقادی و دامن نزدن به مسائل اختلافی در این عرصه از ضروریات است.

قرآن کریم بر وحدت میان مسلمانان تاکید فراوانی دارد و آن را مایه استواری و نیرومندی آنان می‌داند و در آیات مختلفی تفرقه و جدایی را موجب شکست، سستی و از کف دادن قوت و قدرت معرفی می‌کند.

از جمله شیوه‌هایی که قرآن کریم برای ایجاد وحدت و همبستگی به کار برده، تاکید آن بر اهمیت حیاتی وحدت و تاثیر مثبت آن بر جامعه اسلامی است و این تاکید به حدی است که همبستگی جامعه را برای مردم به صورت یک هدف درمی‌آورد. قرآن به برادری، صمیمیت و پرهیز از اختلافات تفرقه و عوامل دیگر همبستگی تاکید فراوان کرده است چراکه با پیروی از نظام قرآنی می‌توان به آسانی به وحدت و همبستگی ملی و انسجام دینی جامعه عمل پوشاند

قرآن کریم یکی از راه‌های همبستگی را پیروی از راه توحید دانسته و به آن سفارش فرموده است که: "ان هذا صراطی مستقیما فاتبعوه ولا تتبعوا السبل فتفرق بکم عن سبيله؛ این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید و از راه‌های پراکنده (انحرافی) پیروی نکنید که شما را از طریق حق دور می‌سازد."

در این آیه خداوند دستور به پیروی از صراط مستقیم را داده که همان راه توحید، حق، عدالت، پاکی و تقواست و پیروی از غیر آن راه را باعث پراکندگی و اختلاف و نفاق می‌داند و بر همین اساس قرآن از اهل کتاب می‌طلبد که به کلمه توحید که وجه جامع و مشترک میان آنان و مسلمانان است، بازگردند و می‌فرماید: "قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه «سوا» بیننا و بینکم الا نعبد الا الله ولا نشرك به شیئا؛ بگو ای اهل کتاب بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار

ندهیم." در این دو آیه قرآن کریم مفهوم وحدت و همبستگی مسلمانان و حتی مسلمانان با پیروان سایر ادیان الهی را تنها در این چارچوب و با این تفسیر و تبیین پذیرفته است، چرا که از نظر اسلام صرفاً به اجتماع مسلمانان و اتفاق آنان بر هر مسأله ای نباید دل خوش بود بلکه آنچه در این عرصه اهمیت فراوان دارد اتحاد و اتفاق آنان برای خدا و در راه خدا است.

تمام مسلمانان قرآن را کتاب مقدس آسمانی خویش می دانند و آن را برای تقرب به حق و بهره مند شدن از معنویت آیاتش تلاوت می کنند، قانون اساسی همه مسلمانان در این کتاب مندرج است، همه به سوی قبله ای واحد نماز می خوانند، بانگ اذان همه یکی است زمان معین آنان برای روزه داری ماه رمضان است، آنان روز اول شوال و نیز روز اضحی را عید خویش می شمارند و در ماه ذی الحجه با هم در حرم امن الهی اجتماع می کنند تا مراسم حج ابراهیمی را انجام دهند، به ساحت مقدس خاندان نبوی ابراز ارادت می کنند و احترام ویژه ای برای اهل بیت پیامبر قائل هستند. این موارد به خوبی می تواند دل ها را به یکدیگر پیوند دهد و روح همبستگی برادری اسلامی را که عظمت مسلمانان را به نمایش می گذارد، احیا کند.

از آنجا که دین به عنوان یک عنصر بسیار مهم می تواند نقشی بسیار حیاتی در تقویت انسجام اسلامی ایفا نماید، تتبع در این ارتباط، به ویژه از دیدگاه اندیشمندان اسلامی ضروری می نماید، تا بتوان با ارائه اندیشه های آنها به جامعه، به تحقق این نقش مهم دین کمک نمود.

تعریف مفاهیم

دین

طباطبایی با بیان این که دین تنها به نیایش و ستایش خدا نپرداخته، بلکه برای کلیه شئون فردی و اجتماعی انسان دستورهای جامع و مقررات مخصوصی وضع نموده است، آن را «عقاید و یک سلسله دستورهای عملی و اخلاقی می داند که پیامبران از طرف خداوند برای راهنمایی و هدایت بشر آورده اند. اعتقاد به این عقاید و انجام این دستورها، سبب

سعادت و خوشبختی انسان در دو جهان است». (شیعه در اسلام، ص ۲۱)

او با استناد به آیات قرآن کریم می نویسد که حیات انسانی، حیاتی است جاودانی که با مرگ قطع نمی شود و در نتیجه باید روشی را در زندگی اتخاذ نماید که هم به درد این سرای گذران و هم به درد آن سرای جاویدان بخورد، راهی را برود که وی را به سرمزل سعادت دنیا و آخرت (هر دو) برساند. این روش همان است که قرآن آن را دین می نامد و این روش همان روشی است که از نیروی عمومی و اقتضای کلی دستگاه آفرینش الهام و سرچشمه می گیرد. (بررسی های اسلامی، ص ۳۵)

از این رو، دین از نظر او یک روش زندگی، مخصوصاً حیات اجتماعی است که انسان اجتماعی به منظور تامین سعادت زندگی اتخاذ نموده باشد. البته نظر به این که زندگی انسان محدود به این جهان پیش از مرگ نیست، این روش باید هم مشتمل بر قوانین و مقرراتی بوده باشد که با اعمال و اجرای آنها سعادت و خوشبختی دنیوی انسان تامین شود و هم مشتمل بر یک سلسله عقاید و اخلاق و عبادات باشد که سعادت آخرت را تضمین نماید. زیرا حیات انسان یک حیات متصل است و این دو جنبه دنیوی و اخروی هرگز از همدیگر جدا نمی شوند. (همان، ص ۳۶)

از این رو، حقیقت دین عبارت است از یک رشته اعتقادات راجع به آفرینش جهان و انسان و یک سلسله وظایف عملی که انسان باید زندگی خود را به آن تطبیق دهد. (فرازهایی از اسلام، ص ۳۲۹) سرانجام، او دین را روش مخصوصی در زندگی می داند که صلاح دنیا را به طوری که موافق کمال اخروی و حیات دائمی حقیقی باشد تامین می نماید. (المیزان، ج ۳، ص ۱۸۷)

او با عنایت به آیه ۱۹ سوره آل عمران^۱، همه ادیان را با یکدیگر مشترک دانسته و معتقد است که همه پیامبران به یک دین دعوت کرده اند و با وجود برخی تفاوت ها، اصول مکتب انبیاء که «دین» نامیده می شود یکی است. ادیان فقط در شرایع اختلاف دارند و اختلاف شرایع هم در یک سلسله مسائل فرعی، بر حسب مقتضیات زمان و خصوصیات محیط از یک سو، و تفاوت سطح تعلیمات پیامبران به مقتضای تکامل بشر از سوی دیگر بوده است. به اعتقاد او، در همه کتاب های آسمانی اسلام مطرح بوده است. اسلام

۱. ان الدین عند الله الاسلام

هم تسلیم شدن در برابر حق، آن هم در تمام اعتقاد و عمل می باشد. (المیزان، ج ۵، صص ۲۲۹-۲۴۰) بنابراین، حقیقت دین دارای ماهیتی است که بهترین معرف آن لفظ اسلام است (مراتب اسلام ج ۲ صص ۱۶۲ - ۱۶۴). از سوی دیگر خداوند در برخی از آیات قرآن، اسلام را اسلام تکوینی می داند که تمام موجودات، در مقام خلقت و آفرینش نسبت به امر الهی دارند^۱. این اسلام شامل تمام ساکنان آسمان ها و زمین می شود. (المیزان، ج ۶، صص ۲۲۹-۲۳۰) از این رو، خداوند از انسان ها می خواهد که غیر از اسلام دین دیگری را جستجو و طلب نکنند.^۲

وحدت

درهر ملتی وحدت و همبستگی مردم موجد کوشش مشترک برای دست یابی به اهداف ملی و مانع بروز طغیان ها و کینه توزی ها می شود. این مهم راه رسیدن به سعادت را که غایت و نهایت محسوب می شود فراهم می کند. از نظر لغوی وحدت به معنی اتحاد، توافق و هماهنگی است. با توجه به تعریف فوق می توان وحدت ملی را اشتراک همه افراد یک ملت در آمال و مقاصد خویش دانست به گونه ای که به منزله مجموعه واحدی به شمار آیند. اندیشمندان علوم سیاسی وحدت ملی را از ارکان قدرت سیاسی دانسته اند که از چگونگی واکنش مردم در دفاع از منافع ملی و مصالح کشور حکایت می کند.

وحدت مطلوب در بین امت اسلامی عبارت است از قرار دادن متن کلی دین اسلام برای اعتقاد همه جوامع مسلمان و بر کنار کردن عقاید شخصی نظری و فرهنگ محلی و خصوصیات آرا و نظریات مربوط به هر یک از اجزای متن کلی دین که مربوط به تعقل و اجتهاد گروهی یا شخصی است. چنین وحدتی است که باید بر تمامی شئون زندگی اجتماعی و دینی مردم سایه گستر باشد و طریق آن وسعت یافتن دیدگاه های متفکران است و عامل اساسی این توسعه دیدگاه ها نیز رهایی از چارچوب تنگ و تاریک تعصب غیر منطقی است.

۱. افغیر دین الله بیغون و له اسلم من فی السموات و الارض طوعا و کرها و الیه یرجعون (آل عمران آیه ۸۳).

۲. و من یتبع غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه (آل عمران آیه ۸۵)

بعضی آیات و روایات دال بر لزوم وحدت بین امت اسلامی می‌باشند. از این قبیل است آیه ۹۲ از سوره انبیاء که خداوند می‌فرماید: «ان هذه امتکم امه واحده...» که در تفسیر آن آمده است که امت یعنی جماعتی که مقصد واحدی را در پیش دارند (نک: مجمع البیان، ج ۷ ص ۱۱۱، و المیزان، ج ۲ ص ۱۲۳) و رکن تشکیل امت همین اتحاد آنها است، و در غیر مورد اتحاد چنین عنوانی صادق نباشد.

امت در تعبیر و اصطلاح قرآنی، گروهی همسان در دین، آیین، زمان و مکان و دیگر مشترکات انسانی است (بقره آیه ۸۲۱ و مائده آیه ۸۴ و مانند آن) این اصطلاح هرچند با جامعه در اصطلاح امروزی مشابهت‌هایی دارد ولی تفاوت‌های محسوسی نیز در میان است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. جامعه در اصطلاح جامعه‌شناختی، گروه سازمان یافته‌ای از اشخاص و افراد انسانی هستند که با هم در سرزمین مشترک زندگی می‌کنند و با همکاری در گروه‌ها نیازهای اجتماعی ابتدایی و اصلی خود را تأمین می‌نمایند و با مشارکت در فرهنگی مشترک و یکسان به عنوان یک واحد اجتماعی از دیگر جوامع متمایز می‌شوند. (مبانی جامعه‌شناسی، ص ۱۴۲) اما امت گروه خاصی از پیروان یک دین یا یک عصر به سبب همسانی در نوع خاصی از عمل‌کرد و یا روی‌کرد فکری هستند. (المیزان ج ۶ ص ۳۹) این امت در نگرش قرآنی دارای حیات و زندگی است که لحظه‌ای همانند زندگی انسان‌ها پایان می‌یابد. (اعراف آیه ۳۴) و به عنوان یک حقیقت دارای کتاب و نوشته مخصوصی است که در قیامت به سوی آن خوانده می‌شود. (جاثیه آیه ۲۸) و دارای فهم و شعور است (انعام آیه ۱۰۸) و برای عمل هر جامعه و امتی عذاب مشترک و عمومی است (غافر آیه ۵) در ضمن قرآن برای امت‌ها، سنت‌هایی نیز اثبات می‌کند که می‌توان به سنت ارسال پیامبران، هلاکت امت پس از اتمام حجت و تغییر در سرنوشت امت‌ها بر اثر عمل‌کرد جامعه و مانند آن اشاره کرد.

قرآن یکی از اهداف پیامبر را امت‌سازی می‌نامد و نشان می‌دهد که چگونه و به چه روشی پیامبر اعظم (ص) به آن دست یافت و امت شاهد و نمونه‌ای را در مدینه ایجاد کرد که می‌تواند الگو برای جوامع دیگر به ویژه امت اسلامی در روزگار ما باشد که از معنا و

مفهوم امت تنها اسم و نامی از آن و پوستین بدون محتوا به جا مانده است. از این رو برای دست یابی به امت اسلامی واقعی و مطلوب می بایست دوباره با الگوبرداری از روش پیامبر به ایجاد امت اسلامی واقعی و نمونه اقدام شود.

زندگی اجتماعی

طباطبایی معتقد است که اصل «اجتماعی بودن نوع انسان» احتیاج به بحث ندارد، زیرا هر فرد انسانی، فطرتاً اجتماعی آفریده شده است. (روابط اجتماعی در اسلام، ص ۵). او در این ارتباط می نویسد: "انسان در میان تمامی جانداران موجودی است که باید اجتماعی زندگی کند و این مطلب احتیاج به بحث زیاد ندارند، چرا که فطرت تمامی افراد انسان چنین است، یعنی فطرت تمام انسان ها این معنا را درک می کند و تا آنجا هم که تاریخ نشان داده هر جا بشر بوده اجتماعی زندگی می کرده و آثار باستانی هم (که از زندگی قدیمترین بشر آثاری بدست آورده) این مطلب را ثابت می کند.

قرآن کریم هم با بهترین بیان در آیاتی بسیار از این حقیقت خبر داده است، از قبیل آیه: "یاایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی، وجعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا..."^۱ و آیه: "نحن قسمنا بینهم معیشتهم فی الحیوة الدنیا، و رفعنا بعضهم فوق بعض درجات، لیتخذ بعضهم بعضا سخریا"^۲. و آیه: "بعضکم من بعض"^۳ و آیه: "وهوالذی خلق من الماء بشرا فجعله نسبا و صهرا"^۴ و آیاتی دیگر که خواننده عزیز برای درک هر یک از این آیات و نحوه دلالتشان لازم است به تفسیر یک یک آنها در این کتاب مراجعه کند. ("المیزان، ج ۷، ص ۱۵۵)

از سوی دیگر او معتقد است که زندگی اجتماعی امری است که انسان با فهم خدادادی خود به آن روی می آورد. (خلاصه تعالیم اسلام، ص ۱۴) و این به آن جهت است که انسان در می یابد که به تنهایی و در نتیجه کار و کوشش خود، بدون استفاده از مساعی دیگران،

۱. هان ای مردم ما شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و شعبه شعبه و قبیله قبیلهتان کردیم تا یکی دیگر را بشناسید. (سوره حجرات آیه: ۱۳).

۲. ما اینهم که معیشتشان را در بینشان (در زندگی دنیا) تقسیم کردیم و بعضی را به درجاتی ما فوی بعضی دیگر قرار دادیم، تا بعضی بعضی دیگر را مسخر خود کنند. (سوره زخرف آیه: ۳۲).

۳. شما همه از یک کدیگرید: (سوره آل عمران آیه: ۱۹۵).

۴. او کسی است که از آب بشری بیافرید، و سپس او را خویشاوند تنی و ناتنی کرد. (سوره فرقان آیه: ۵۴).

نی تواند لوازم زندگی خود را تامین نماید و از جهت دیگر، چون نمی تواند کار و کوشش دیگران را بلاعوض و به رایگان تملک کند، ناچار به زندگی اجتماعی تن در می دهد (مجموعه رسایل، ص ۲۹).

به نظر او، اجتماع انسانی مانند سایر خواص روحی انسان و آنچه که مربوط به او است از روزآغاز پیدایش به صورت کامل تگون نیافته تا کسی خیال کند که اجتماع نمو و تکامل نمی پذیرد، نه در کمالات مادی و نه در کمالات معنوی، بلکه اجتماعی شدن انسان هم مانند سایر امور روحی و ادراکیش دوش به دوش آنها تکامل پذیرفته است، هر چه کمالات مادی و معنوی او بیشتر شده، اجتماع وی نیز سامان بیشتری به خود گرفته است و مسلما انتظار نم رود که این یک خصوصیت از میان همه خصوصیات و خواص انسانیت مستثنی باشد، یعنی اجتماعی بودن انسان از همان اول پیدایشش به طور کامل تحقق یافته باشد، و اجتماع امروزش با اجتماع روز اول خلقتش هیچ فرق نکرده باشد، بلکه این خصیصه انسان مانند سایر خصائصش که به نحوی با نیروی علم و اراده او ارتباط دارند، به طور تدریجی به سوی کمال در حرکت بوده و کم کم در انسان تکامل یافته است. (المیزان، ج ۷، ص ۱۵۵-۱۵۶)

وی معتقد است که اولین اجتماع و گردهمائی که در بشر پیدا شده گردهمائی منزلی از راه ازدواج بوده، چون عامل آن یک عامل طبیعی بوده است که همان جهاز تناسلی (که زن و مرد هر کدام جهاز تناسلی مخصوص به خود را دارند) است، و این خود قویترین عامل است برای این که بشر را به اجتماع خانوادگی وادار نماید زیرا معلوم است که این دو دستگاه هر یک بدون دیگری بکار نمی افتد، به خلاف مثلا جهاز هاضمه که اگر فرض کنیم در محلی و زمانی یک فرد انسان تک و تنها باشد، می تواند با جویدن برگ و میوه درختان تغذی کند ولی نمیتواند به تنهائش فرزند از خود منشعب سازد و همچنین دستگاه های دیگری که در بدن انسان تعبیه شده، برای به کار افتادنش نیازی به انسان های دیگر ندارد و تنها جهاز تناسلی است که باید در بین دو نفر مشترکا به کار بیفتد، دو نفر از جنس مخالف (یعنی یک مرد و یک زن)؛ و بعد از تشکیل اجتماع کوچک یعنی خانواده، جامعه گسترده شکل می گیرد (المیزان، ج ۷، ص ۱۵۶).

■ نقش اجتماعی و وحدت بخشی دین

نقش اجتماعی دین نیز اساساً در مجتمع کردن آن است: دین، چنان که از معنای آن برمی آید^۱، پیوستگی های اعضای جوامع و الزامات اجتماعی را که به وحدت و ی‌کپارچگی آنان کمک می کند ازدیاد می بخشد. چون ارزش هایی که زیرساخت سیستم های الزام اجتماعی هستند در بین گروه های دینی مشترکند، دین توافق و همبستگی گسترده یی را در سطح جامعه تضمین می کند، به علاوه، دین متمایل به حفظ ارزش های اجتماعی است. این حقیقت که ارزش های دینی مقدس هستند دلالت بر آن دارد که آنها در تغییرات مفاهیم دنیوی تغییر نمی کنند. (نوتینگهام^۲، صص ۱۶-۱۸)

علامه طباطبایی بر آن است که اولین باری که بشر متوجه منافع و مصالح اجتماع شد زمان بعثت اولین پیامبر الهی بود و قرآن کریم خبر داده که اولین باری که بشر متوجه منافع اجتماع شد، و بطور تفصیل (و نه ناخودآگاه) به مصالح آن پی برد و در صدد حفظ آن مصالح بر آمد زمانی بود که برای اولین بار پیغمبری در میان بشر مبعوث شد و آنان را راهنما گشت. جان کلام این است که: به وسیله مقام نبوت متوجه مصالح و منافع زندگی اجتماعی گردید، این مطلب را از آیات زیراستفاده می کنیم که می فرماید: "و ما کان الناس الا امه واحده فاختلَفوا"^۳. و نیز می فرماید: "کان الناس امه واحده، فبعث الله النبیین مبشرين و منذرین، و انزل معهم الکتاب بالحق، لیحکم بین الناس فیما اختلفوا"^۴، چون این دو آیه، چنین خبر می دهد که انسان در قدیم ترین عهدش امتی واحده و ساده و بی اختلاف بوده، سپس (بخاطر همان غریزه استخدام که گفتیم) اختلاف در بین افرادش پیدا شد و اختلاف هم به مشاجره و نزاع انجامید، لذا خدای تعالی انبیا را بر انگیخت و با آنان کتاب فرستاد، تا به وسیله آن کتاب اختلاف ها را بر طرف کنند، و دو باره به وحدت اجتماعیشان برگردند،

۱. در زبان های مشترک لاتین دین به صورت Religion آمده که مشتق از مصدر لاتینی Roligare است که در آن زبان به معنای به ی‌کدیگر پیوستن می باشد. بنابراین کلمه Religion از نظر لغوی به معنای پیوند و ربط بین اقوامی است که معتقد به عقیده خاص روحانی باشند.

۲. Nottingham

۳. انسانها در آغاز، همه ی‌ک امت بودند، بعدها اختلاف کردند. "سوره یونس آیه: ۱۹".

۴. مردم همه ی‌ک امت بودند، سپس خدای تعالی انبیا را (که کارشان وعده و وعید دادن است) مبعوث فرمود و کتاب به حق را با آنان نازل فرمود تا بین مردم در آنچه که در آن اختلاف می کنند داورى کند. "سوره بقره آیه: ۲۱۳".

و این وحدت را به وسیله قوانینی که تشریع فرموده حفظ کنند.

و نیز در آیه "شرع لکم من الدین ما وصی به نوحا، والذی اوحینا الیک، وما وصینا به ابراهیم و موسی و عیسی، ان اقیموا الدین ولا تتفرقوا فیه" ^۱ خبر می دهد که: و با این کلام خود خبر داده از این که رفع اختلاف از بین مردم و ایجاد اتحادشان در کلمه، تنها و تنها از راه دعوت به اقامه دین و اتحادشان در دین واحد، تحقق میابد، پس تنها دین است که ضامن اجتماع صالح آنان است.

و آیه نامبرده همین دعوت را (یعنی دعوت انسان های اولیه را به اجتماع و اتحاد) به صورت دعوت به اقامه دین و متفرق نشدن مردم در آن پیشنهاد کرده، پس تنها ضامن اجتماع صالح دین است. (المیزان، ج ۷، ص ۱۵۶-۱۵۷)

وی بر آن است که بین فرد و جامعه رابطه حقیقی وجود دارد و لازمه چنین رابطه ای این است که یک سلسله قوا و خواص اجتماعی نیرومند بوجود می آید که وقتی بین فرد و اجتماع، تعارض و تضاد در می گیرد قوای اجتماع بر قوای فرد غلبه پیدا می کند و اراده فرد مغلوب اراده و خواست اجتماع می شود. (بررسی های اسلامی، صص ۱۱۱-۱۱۰)

او ضمن تاکید بر این رابطه حقیقی بین فرد و جامعه اظهار می دارد که این رابطه موجب می شود که خواص و آثار فرد در اجتماع نیز پدید آمده و به همان نسبت که افراد از نیروها و خواص و آثار وجودی خویش جامعه را بهره مند می سازند، این حالات یک موجودیت اجتماعی نیز پیدا نمایند.

وحدت، عنصر و مولفه اصلی اجتماع را تشکیل می دهد. بی وحدت و اتحاد میان اشخاص انسانی و افراد بشری، اجتماع معنا و مفهوم درستی نمی یابد و امکان تحقق خارجی برای جامعه فراهم نخواهد شد. اگر برای اجتماع و جامعه انسانی در برابر فرد، اصالت و هویت مستقل و جداگانه ای هم فرض نشود و اجتماع را امری اعتباری محض و مجموعه ای از افراد و اشخاص بدانیم، چنان که برخی از اندیشمندان در برابر اصالت بخشی و هویت دهی دیگرانی چون علامه طباطبایی و مطهری بر این باورند، باز هم نمی توان از ارزش اجتماع و جایگاه تاثیرگذار و نقش سازنده و مثبت آن در راستای تکاملی بشر چشم پوشی

۱. برای شما مسلمانان از مسائل اصولی دین همان را تشریع کرده که به نوح توصیه اش کرده بود، و آنچه به تو وحی کردیم و ابراهیم و موسی و عیسی را به رعایت آن سفارش نمودیم این بود که دین را اقامه کنید، و در دین متفرق نشوید. "سوره شورا آیه: ۱۳".

کرد و آن را نادیده گرفت. هر امر و پدیده‌ای باتوجه به کار ویژه آثار و کارکردهای آن مورد ارزش‌گذاری قرار می‌گیرد. بر این اساس می‌بایست اجتماع را به عنوان یکی از مهمترین پدیده‌های انسانی دانست که کارکرد و نقش بسیار تاثیرگذاری در زندگی انسان و دستیابی وی به کمال و سعادت را دارا می‌باشد.

از این روست که قرآن به اجتماع و جامعه انسانی به عنوان پدیده مثبت و سازنده در زندگی انسانی توجه و اهتمام ویژه‌ای می‌گذارد و با فراهم آوردن ابزارها و راهکار و اتخاذ مواضع و دستورهای شرعی می‌کوشد تا پایه‌های این پدیده را استوار و تحکیم بخشد. بیان آثار، اهمیت و ارزش و عوامل و موانع ایجاد پدیده ای به نام جامعه و اجتماع در قرآن بیانگر اهتمام قرآن به اجتماع است که برادری ایمانی مهمترین رکن وحدت و انسجام اسلامی در جامعه به حساب می‌آید.

از این رو، وی معتقد است که قرآن هم در این رابطه است که برای ملت وجود، اصل، کتاب، شعور، فهم، عمل، طاعت و معصیت اعتبار فرموده و می‌گوید: "و لکل امه اجل فاذا جاء اجلهم لا يستأخرون ساعه ولا يستقدمون" (اعراف، ۳۴).^۱ و به همین جهت است که قرآن همراه با داستان های اشخاص به تاریخ ملت ها اهمیت قایل است؛ این در هنگامی بوده است که بشر تاریخی جز ذکر حالات اشخاصی از قبیل پادشاهان و بزرگان نداشته و تاریخ نویسندگان تا قبل از نزول قرآن هیچ توجهی به تاریخ ملت ها و اجتماعات نداشته اند. بعد از نزول قرآن بوده است که احیاناً بعضی از مورخین از قبیل مسعودی و ابن خلدون، کم و بیش توجهی به تاریخ ملت ها نموده و به ذکر حوادث آن پرداخته اند، این جریان همین طور ادامه داشت تا اینکه در همین اواخر بطور کلی در تاریخ تحول به وجود آمد و تاریخ اشخاص به تاریخ ملت ها تبدیل گشت و گویا نخستین کسی که این تحول را ایجاد کرد "اگوست کنت" فرانسوی بوده است (المیزان، ج ۷، ص ۱۶۴-۱۶۲).

یکی از آثار و لوازم حتی زندگی اجتماعی، تزامم در منافع و تعدی و تجاوز به حقوق دیگران است؛ زیرا هر یک از افراد اجتماع به مقتضای غریزه سودجویی خود کوشش می‌کند تا سرحد

۱. و باز می‌فرماید: "کل امه تدعی الی کتابها" (سوره جاثیه، آیه ۲۸)، "زینا لکل امه عملهم" (سوره انعام، آیه ۱۰۸)، "منهم امه مقتصده" (سوره مائده، آیه ۶۶)، "امه قائمه بتلون آیات الله" (سوره آل عمران، آیه ۱۱۳)، "و همت کل امه برسولهم لیاخذوه و جادلوا بالباطل لیدحضوا به الحق فاخذتهم فکیف کان عقاب" (سوره غافر، آیه ۵) و "و لکل امه رسول فاذا جاء رسولهم قضی بینهم بالقسط" (سوره یونس، آیه ۴۷).

توانایی از چیزهایی که به نفع خود می‌داند، برخوردار شود و حاصل کار و کوشش همنوعان خود را بلاعوض یا به کمتر از ارزش واقعی آن تملک کند، در صورتی که سایر افراد نیز همین گزینه را دارند و در همین راه کوشش می‌کنند. از این رو اختلاف و تزاخم پیدا می‌شود و با وجود اختلاف، اجتماع مختل می‌گردد. از این رهگذر است که انسان برای رفع اختلاف به قوانین و مقررات رو می‌آورد. با کمی تامل معلوم می‌شود که وضع قوانین کامل و جامع از عهده انسان خارج است و تنها کسی که می‌تواند آن را در اختیار بشر قرار دهد خداوند است. از اینجا است که رابطه دین و اجتماع ضروری می‌نماید. (فرازهایی از اسلام، صص ۲۵-۲۳؛ مجموعه رسایل، صص ۳۳-۲۹)

وی ضمن توجه خاص به آیاتی از قرآن که به حیات اجتماعی پرداخته، معتقد است که سعادت واقعی و کامل انسان جز در ظرف اجتماع سالم تحقق نمی‌یابد. او در این ارتباط می‌گوید: «اسلام تنها دینی است که اساس آیین خود را خیلی صریح و روشن بر پایه اجتماع قرار داده است و در هیچ شأنی از شئون خود نسبت به اجتماع بی‌اعتناء نبوده است». (المیزان، ج ۷، ص ۱۵۸)

به نظر او، هر چند بحث‌هایی در مورد اجتماع در گذشته وجود داشته است، نظیر آنچه که در سخنان و نوشته‌های سقراط و افلاطون و ارسطو مشاهده می‌شود اما این قبیل مباحث هرگز برنامه عملی اجتماعات گذشته نبوده و از صفحات ذهنی فلاسفه گامی به سوی تحقق خارجی برنداشته است و تاریخ گذشتگان بهترین گواه این مدعاست.

لذا نخستین ندایی که بشر را به سوی اجتماع دعوت کرده و به جامعه یک شخصیت مستقل واقعی داده است ندای آسمانی الهی است که با یک سلسله آیات الهی مردم را به سوی سعادت حیات اجتماعی و پاکیزگی آن دعوت کرده است.

او در این ارتباط به آیاتی نظیر "و ان هذا صراطی مستقیما فاتبعوه ولا تتبعوا السبل فتفرق بکم" ^۱، "واتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا" ^۲ و "تعاونوا على البر والتقوى" ^۳ استناد کرده و می‌گوید که اسلام بشر را به طور مطلق به اصل اجتماع و اتحاد دعوت می‌کند (المیزان، ج ۷، ص ۱۶۰-۱۵۹).

۱. و این که راه من مستقیم است پس مرا پیروی کنید و بدنبال راههای دیگر مروید که شما را متفرق میسازد. "سوره انعام آیه ۱۵۲".

۲. همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و متفرق مشوید. "سوره آل عمران آیه: ۱۰۳".

۳. ی‌کدیگر را در کار نی‌ک و تقوا یاری دهید. "سوره مائده آیه: ۲".

نتیجه گیری

به این ترتیب معلوم می شود که انسان در میان تمامی جانداران موجودی است که باید اجتماعی زندگی کند و این مطلب احتیاج به بحث زیاد ندارند، چرا که فطرت تمامی افراد انسان چنین است. می توان گفت که دین الگویی فرهنگی است که عمیقاً در ساختار نظام اجتماعی نهادینه شده است و این معیارهای اجتماعی در تعیین منشاء، شکل محتوا و تداوم دین حائز اهمیت اند. یکی از ارکان اساسی اقتدار، جامعه و مردم هستند که در صورت اتحاد و انسجام، بزرگترین استعداد برای ایجاد پیشرفت و سعادت آن جامعه هستند و نقش اجتماعی دین نیز اساساً در مجتمع کردن آن است: دین، چنان که از معنای آن برمی آید، پیوستگی های اعضای جوامع و الزامات اجتماعی را که به وحدت و یکپارچگی آنان کمک می کند ازدیاد می بخشد. چون ارزش هایی که زیرساخت سیستم های الزام اجتماعی هستند در بین گروه های دینی مشترکند، دین توافق و همبستگی گسترده یی را در سطح جامعه تضمین می کند، بعلاوه، دین متمایل به حفظ ارزش های اجتماعی است. این حقیقت که ارزش های دینی مقدس هستند دلالت بر آن دارد که آنها در تغییرات مفاهیم دنیوی تغییر نمی کنند.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم
۲. طباطبائی، محمدحسین. بررسی های اسلامی، قم.
۳. ----- . تفسیر المیزان، تهران، انتشارات محمدی.
۴. ----- . المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۲.
۵. ----- . خلاصه تعالیم اسلام، قم، ۱۳۷۰.
۶. ----- . روابط اجتماعی در اسلام، قم، انتشارات بعثت.
۷. ----- . شیعه در اسلام، قم، ۱۳۷۴.
۸. ----- . فزاهایی از اسلام، انتشارات جهان آراء.
۹. ----- . مجموعه رسائل، قم، ۱۳۷۰.
۱۰. طبرسی، ابی علی فضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الاعلی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۵.
۱۱. کولمن، سایمون و واتسون، هلن (۱۳۷۲)، درآمدی به انسان شناسی، محسن ثلاثی. چاپ اول، تهران: نشر سیمرغ.
۱۲. مساواتی، مجید (۱۳۷۲)، مبانی جامعه شناسی، احرار، تبریز.
۱۳. Munro, Robert (۱۹۷۴). "Anthropology" Encyclopedia of Religion and Ethics, James Hastings. vol. ۱, pp. ۵۶۱-۵۷۳.
۱۴. Nanda, Serena (۱۹۸۴). Cultural Anthropology, (۴th ed), California :company Belmont.
۱۵. Nottingham, Elizabeth K. (۱۹۵۴) Religion and Society, U.S.A, Random-house.
۱۶. Smart, Ninian (۱۹۹۶), Dimensions of the Sacred : An Anatomy of the Worlds' Beliefs, Berkeley : University of California Press.
۱۷. Tabatbayi, Mohammad Hossein. Islamic studies, Qom.
۱۸. ----- . Tafsir al-Mizan, Tehran, Mohammadi Publications.
۱۹. ----- Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Al-Nashar al-Islami Institute, Qom, ۱۴۰۲.
۲۰. ----- . Summary of Islamic teachings, Qom, ۱۳۷۰.
۲۱. ----- . Social relations in Islam, Qom, Ba'ath publications.
۲۲. ----- . Shia in Islam, Qom, ۱۳۷۴.

۲۳. ----- . Frazas of Islam, Jahan Arah Publications.
۲۴. ----- Collection of letters, Qom, ۱۳۷۰
۲۵. Tabarsi, Abi Ali Fazl bin Al-Hassan, Al-Bayan Assembly in Tafsir al-Qur'an, Al-Ali Institute for Press, Beirut, ۱۴۱۵.
۲۶. Coleman, Simon and Watson, Helen (۱۳۷۲), Introduction to Anthropology, Mohsen Talasi. First edition, Tehran : Simorgh Publishing.
۲۷. Evanazi, Majeed (۱۳۷۲), Basics of Sociology, Ahrar, Tabriz.

